

شاخصه‌های نظام‌مندی حکومت رسول گرامی اسلام ۹

سیدحسین تقوی*

تأیید: ۹۶/۱۱/۱۵

دریافت: ۹۶/۳/۱

چکیده

از آنجا که انسان فطرتاً طالب سعادت است و یکی از عوامل مهم وصول به سعادت، اقتدا به الگوهاست، خداوند پیامبران را به عنوان الگو و مدیر جامعه فرستاد که سرآمد آنان رسول گرامی اسلام ۹ است. وی تحت اشراف فرشته قدرتمند و امین حرکت کرد و با رفتار برخاسته از عصمت توانست در مدتی کوتاه جهان پیرامون خود را دگرگون سازد و در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر ایدئولوژیها و نظام‌های شرق و غرب آن روز غلبه نماید.

این مقاله سعی دارد شاخصه‌های حکومت نظام‌مند پیامبر ۹ را با روش توصیف مفاهیم و تحلیل موضوع بیان نماید. این تحقیق حرکتی در راستای استخراج خط مشی پیامبر گرامی اسلام است؛ با این دستاورد که راز پیروزی وی بر فرهنگ جاهلی، نظام‌مندی حکومت ایشان بوده است. آن بزرگوار در دوره ۱۳ ساله حضور در مکه، متوجه مسائل فرهنگی و فردسازی بودند، اما پس از حضور ۱۰ ساله در مدینه و تشکیل نظام ولایی محور، فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ایشان جامعه‌سازی بوده و نگاهی کل نگر به همه ابعاد جامعه داشته است.

شاخصه‌های نظام‌مندی یا سیستمی، طبق نظر کارشناسان و آگاهان علم مدیریت عبارت است از تعادل‌گرایی، تحول‌گرایی، نوآوری، نظم و نظام‌گرایی و کارآیی که با دقت در سیره رسول گرامی اسلام ۹ موارد فوق قابل مشاهده است و این تحقیق نمونه‌هایی از شاخصه‌ها را که نقش‌الگویی برای ما دارد، بیان کرده است.

واژگان کلیدی

حکومت، نظام‌مند، رسول گرامی اسلام ۹، تعادل‌گرایی، تحول‌گرایی، نوآوری

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

مقدمه

انسان فطرتاً کمال‌جو و سعادت‌طلب است و یکی از مهمترین عوامل وصول به سعادت، اقتدا به الگوها است. خداوند بدین منظور راهنمایی فرستاده است: «فَأَمَّا يَا تَبِئَتِكُمْ مَنِ هَدَىٰ فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره (۲): ۳۸)؛ پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایتم را پیروی کنند، بر ایشان ترسی نیست و غمگین نخواهند شد.

از آنجا که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، رحمت، شاهد، خیرخواه، هادی و منجی مردم است، قرآن وی را الگوی نیکویی معرفی نموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب (۳۳): ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز باز پسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

اخلاق انسانی و صفات عالیه آن حضرت در زمانی کوتاه - کمتر از ربع قرن - آنچنان گسترش یافت و در دل مسلمین ریشه دواند که تمدنی عظیم تأسیس کرد؛ زیرا پیامبر اعظم ﷺ از کودکی تحت اشراف حضرت حق بوسیله فرشته امین ساخته شد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). از این رو، گفتار و رفتار او برای همه انسانها بویژه مسلمانان الگوست (احزاب (۳۳): ۲۱)^۱ و لذا دستور پیروی از ایشان از سوی خداوند صادر شده است (نساء (۴): ۵۹)^۲ و در سایه پیروی ایشان هدایت می‌یابیم (نور (۲۴): ۴)^۳. از این رو، می‌توان با بررسی گفتار و رفتار نبوی که در سیره و سنت و قرآن تجلی یافته بسیاری از عملکردهای ایشان را اصطیاد نمود که هر یک می‌تواند در بخشی از نظام اسلامی بکار آید.

مسأله تحقیق

گرچه بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که حکومت پیامبر اکرم ﷺ در حوزه‌های مختلف، دارای اصول مسلمی است، اما آنچه در این میان بسیار مهم است، این است که تمامی این حوزه‌ها با وجود تفاوت ماهوی، یک تفکر همه‌جانبه‌نگر، آنها را سامان داده و باعث وحدت رویه آنها گردیده است. در این مقاله با اشاره به اصول مسلم مدیریتی

ایشان که ریشه در زعامت و ولایت وی داشته، شاخصه‌های این نظام‌مندی که باعث انسجام و وحدت رویه در مدیریت نبوی بوده، بیان خواهد شد.

ضرورت تحقیق

این ضرورت از آنجا برخاسته که امروزه یکی از جنبه‌های مهم برتری اسلام در برابر مکاتب مختلف، نظام‌مندی آن است؛ چنانکه آیه شریفه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (آل عمران(۳): ۱۳۹)، بیانگر این حقیقت است که اگر نظام‌مندی در زندگی ما مورد توجه قرار گیرد، دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌های شرق و غرب، قدرت رقابت با اسلام را نخواهند داشت (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

برای ارزیابی این ادعا که دیگر فرهنگ‌ها قدرت رقابت با اسلام را ندارند، به ملاک نیاز داریم و ملاک اعتبار یک مدل در سایه قدرت پاسخگویی به سؤالات، پیش‌بینی وضعیت بعدی، رفع نقاط کور و ضریب تأثیرگذاری است. ضریب اهمیت یک موضوع، میزان تأثیر آن در تحقق اهداف است. در بسیاری از گزاره‌های دینی، تأثیر موضوعات با یکدیگر مقایسه شده‌اند؛ نظیر اینکه صداقت موجب اعتماد عمومی شده و ایمان و تقوا موجب نزول برکات آسمانی می‌شود؛ در حالی که گناه باعث نزول عذاب و قطع برکات می‌گردد.

دین اسلام برای مدیریت زندگی جمعی در محیط رقابت نظریات و ایده‌ها، مدعی کارآمدی است. از سوی دیگر، ابعاد گسترده و پیچیده زندگی مدرن که نیازها، افکار و ارتباطات و معادلات پیچیده را فراهم آورده سبب بروز ادعای کارآمدی مدیریت علمی و ناکارآمدی مدیریت دینی شده که با راهبرد فعال‌سازی و محسوس کردن کارآمدی دین در عرصه زندگی امروز و فردا از طریق نگرش سیستمی به گزاره‌های دینی محقق می‌شود و این نظریه در مقابل نظریه دین، حداقلی و اکثری است (همان، ص ۶۶).

ضرورت نظام‌سازی، ضرورت پاسخ‌دادن دین به مجموعه سؤالات ریز و درشت و بنیادی و اساسی انسان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی - اجتماعی است. این ضرورت با تکیه‌زدن بر اریکه قدرت و رسیدن دین به حکومت بیشتر می‌شود. از این

جهت، تحلیل ابعاد مختلف تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در چهار دهه اخیر مورد توجه بوده و از ضروریات جامعه اسلامی - ایرانی است.

تعریف واژه مدیر

ریشه عربی مدیر از «دور و دوران» است که به معنای «گردیدن و گرداندن» است و در فارسی به معنای «مدیربودن» است و مدیر، به اداره‌کننده کاری یا مؤسسه‌ای گفته می‌شود. معادل واژه مدیریت در انگلیسی «management» است. بنابراین، مدیریت: «علم و هنر بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۶۹، ص ۶).

معنای واژه نظام‌مند

نظام‌مند یا سیستمی، مدیریت کل‌نگر است و یا مجموعه‌ای از عناصر که با ایجاد روابط متقابل کلیت واحدی را بوجود آورند. سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند در هر شبکه تغییر هر جزء بر دیگر اجزاء و بر کل تأثیر دارد و هیچیک از عناصر اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند (واسطی، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

تعریف واژه مدیریت نظام‌مند

به این معناست که بین همه مجموعه‌ها ارتباط برقرار نماید و در حال کنش و واکنش متقابل باشند؛ همانند قطعات یک پازل که هر چیزی به جای خویش نیکوست؛ زیرا اگر یکی از قطعات را برداریم آن نقشه بهم می‌خورد و نمی‌تواند ما را به هدف برساند. مدیریت نظام‌مند، یک نوع تفکر سیستمی است که می‌توان آن را در دستور العمل‌های زیر خلاصه کرد، مشکل و نیاز را پیدا کنید، هدف خود را مشخص کرده و اهمیت آن را تعیین نمایید. هر چیزی که احتمال دارد با این هدف ارتباط داشته باشد شناسایی کنید، کمیت و کیفیت ارتباط را مشخص کنید، مجموعه ارتباطات را با هم

ارزیابی کرده و بهترین راه را برای ارتباط بین امکانات و نیازها انتخاب نماید، راه حل را به مرحله اجرا بگذارید، نقاط ضعف را برطرف نموده و دوباره آن را اجرا نمایید. تفکر شبکه‌ای که محصول دید کلان و جامع نسبت به موضوعات است، سکوی جهش علمی و عملی به سوی حقایق هستی است. محققى که تحقیق خود را براساس تفکر شبکه‌ای طرح‌ریزی کند، قدم به قدم به سوی حل مسأله حرکت می‌نماید و در کوتاه‌ترین راه با بیشترین بازدهی به هدف تحقیق خواهد رسید (همان، ص ۵۰).

نگرش سیستمی بهترین طریق وحدت‌بخشیدن مفاهیم بمنظور دستیابی به یک نظریه جامع است.

نظریه نظام‌مندی اسلام

اسلام دینی است نظام‌مند و باور عمومی فقیهان مسلمان بر این بوده که احکام شرعی بیان‌شده از سوی اسلام، احکامی ثابت و غیر متغیرند که اختصاص به موقعیتی خاص ندارند؛ یعنی از جهان‌شمولی برخوردارند.

باید توجه داشت که برخی احکام در اسلام متغیر است که در دوره‌ای خاص اعتبار داشته و با گذشت زمان و تغییر شرایط از درجه اعتبار ساقط شده است.

در دوران معاصر با طرح مسأله ثابت و متغیر از سوی استاد مطهری (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۸۴) و «منطقه الفراغ در تشریح» از سوی شهید «سیدمحمدباقر صدر» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۰۹) و بویژه «نقش زمان و مکان در اجتهاد» از سوی امام خمینی ۱ (امام خمینی، ج ۲۰، ص ۷۰ و ج ۱۰، ص ۱۳۸)، فصل تازه‌ای در این بحث آغاز و توجه نوینی به جهان‌شمولی، یا موقعیتی‌بودن احکام و عناصر دینی پیدا شده است.

در نظام سیاسی اسلام، قانون به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. قوانین اولی که عبارت است از یک سلسله مقررات و دستورات ثابت و تغییرناپذیر؛ چنانکه امام صادق ۷ می‌فرماید: «حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۹)؛ حلال محمد ۹ تا روز قیامت حلال و حرام محمد ۹ تا روز قیامت حرام است.

بنابراین، هرگز نمی‌توان به بهانه گذر زمان و تغییر وضعیت و شرایط در اعتقاد به توحید، نبوت و معاد، تحول و دگرگونی پدید آورد؛ زیرا طبیعت موضوع، تحول‌پذیر نیست. مگر می‌توان برای ذات اقدس الهی تحول تصور کرد؟ برای بهشت و دوزخ زوال در نظر گرفت؟ یا رسالت پیامبر ﷺ را از میان رفته پنداشت؟ (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ص ۹۶).

۲. قوانین ثانوی؛ مقرراتی هستند که از مقام ولایت سرچشمه گرفته و به حسب مصلحت زمان، وضع و اجرا می‌شوند. با این توضیح که نظام اسلامی در اداره جامعه با مسائل و مشکلاتی رو به رو می‌شود که اگر تنها بر مبنای احکام اولیه عمل شود، نمی‌توان بر مشکلات فائق آمد و در برخی موارد کیان نظام اسلامی به خطر می‌افتد. بدین لحاظ در چهارچوب قوانین شریعت، ولی امر مسلمین می‌تواند یک سلسله تصمیماتی بر حسب مصلحت گرفته طبق آنها مقرراتی وضع نماید و به اجرا بگذارد. مقررات نامبرده لازم الاجراء و مانند احکام ثابت شریعت دارای اعتبار است؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیر قابل تغییر هستند، ولی مقررات ثانوی، قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی هستند که آنها را بوجود آورده‌اند و چون جامعه انسانی پیوسته در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات هم تدریجاً تبدیل و تغییر پیدا کرده و جای خود را به احکام بهتر می‌دهند. البته باید دانست که اصل ولایت، خود یک حکم ثابت و غیر قابل تغییر است.

مقررات ثانوی در بقا و زوال خود تابع مقتضیات زمان هستند و با پیشرفت مدنیت و تغییر مصالح، تغییر و تبدیل پیدا می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹). مثلاً اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور لازم است صادرات و واردات کنترل شود، با وضع مقرراتی از تجارت آزاد جلوگیری می‌کند؛ در حالی که بنا بر قوانین اولی، هر شخص نسبت به تجارت از راه مشروع آزاد است. طبق احکام اولیه مجاز به خرید سلاح گرم است، ولی اسلام با وضع احکام ثانوی به حاکم اختیار داده که با توجه به مصالح جامعه اسلامی این مشکل را حل کرده و خرید و فروش آن را محدود نماید. از این گونه امور به احکام حکومتی تعبیر می‌کنند (طباطبایی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۸۳).

امام خمینی 1 می‌نویسد: «برای امام و والی مسلمین است که به صلاح آنان عمل کند؛ مثل تثبیت قیمت‌ها، صنعت یا انحصار تجارت و مانند آنها از اموری که در نظام جامعه و اصلاح آن دخالت دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲۶).

«شهید محمدباقر صدر»، حوزه احکام متغیر و غیر الزامی را به عنوان منطقه الفراغ نامگذاری کرده است و نوشته مکتب اسلام مکتب فراگیری است که می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد و در این مبانی نظریه منطقه الفراغ با نظام‌سازی اسلام نسبت خاصی دارد و به دولت اسلامی حق تشریح در منطقه الفراغ می‌دهد و همه فعالیت‌های مباح را در دایره شمول منطقه الفراغ می‌داند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۵۶ و ۶۸۳).

فقها و حاکمان اسلامی در موارد بسیاری از حق حکومتی خود برای مصالح مسلمانان استفاده کردند از جمله «تحریم تنباکو» که توسط «میرزای شیرازی» برای مبارزه با استعمار انگلستان و استقلال کشور اسلامی انجام شد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

شاخصه‌های نظام‌مندی

طرفداران نظریه مدیریت علمی (زارعی متین، ۱۳۸۰، ص ۹۹) بر این باورند که نظام‌مندی، دارای شاخصه‌های ذیل است:

۱. تعادل‌گرایی

تعادل در لغت به معنای برابری، تناسب و رابطه بین دو چیز است (معین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰۹۶).

وقتی روابط منطقی و منظم بین فعالیت‌های واحدهای تابعه و نیازمندی و توقعات ارباب رجوع و ارزش‌های جامعه باشد، آن سازمان دارای تعادل است (زارعی متین، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

تعادل از هماهنگی بین اجزای یک سیستم با سیستم‌های فرعی تشکیل‌دهنده آن بوجود می‌آید. اگر تمام قسمت‌های بدن درست کار کند، درجه حرارت بدن ۳۷ درجه است و هر نوع اختلال، درجه بدن را کم یا زیاد می‌کند (جاسبی، عبدالله، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰).

تعادل‌گرایی در نظام مدیریتی پیامبر عبارتند از:

الف) تعادل بین ارزش‌های جامعه

مدیریت نبوی یک مدیریت نظام‌مند و متعادل و متناسب بوده؛ یعنی در حالی که به درون‌گرایی و عبادت اهمیت می‌دهد، از برون‌گرایی و اهتمام به امور جامعه غفلت نمی‌نماید و به همه نیازهای انسان بطور برابر توجه دارد.

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه (۲۰): ۲)؛ ما قرآن را بر تو برای اینکه خود را به زحمت بیفکنی نازل نکردیم (سوره طه، آیه ۲۹).

اسلام در هر کاری به اعتدال دستور داده است؛ از کفر و شرک بر حذر داشته و به عبادت و یکتاپرستی دستور داده است، با این حال عبادت هم اندازه‌ای دارد و نباید آنقدر زیاد باشد که به انسان صدمه وارد نماید و این نکته به پیامبر ﷺ گوشزد شده است؛ چون ایشان آنقدر عبادت می‌کردند که پاهایشان متورم گردیده بود.

فرهنگ اسلامی، انسانی می‌سازد که ارزش‌های اخلاقی‌اش از کهنکشانها شکوه‌مندتر است، سیمای مسلمان راستین همگام با رسول خدا را قرآن چنین توصیف کرده است:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ» (فتح (۴۸): ۲۹)؛ محمد ﷺ فرستاده خداست، کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند، پیوسته آنان را در حال رکوع و سجود می‌بینی.

پیامبر اکرم ﷺ یارانش را به تعادل و میانه‌روی در گرایش‌های بیرونی و درونی فرا خواند؛ یعنی از یک طرف به جامعه‌گرایی و مهربانی در میان خودی‌ها و شدت و جهاد با مشرکان فرا خوانده و از طرف دیگر، به درون‌گرایی و عبادت و رکوع و سجود و راز و نیاز فرا می‌خواند.

اسلام عبادت‌گرایی جامعه‌گریز و جامعه‌گرایی خداگریز را رد کرده است. هنگامی که در قرآن کریم مؤمنان را تائب و عابد و راکع و ساجد معرفی می‌کند، بلافاصله جنبه اجتماعی را ذکر می‌کند که آنان آمر به معروف و ناهی از منکر و حافظ مقررات الهی‌اند (توبه (۹): ۱۱۲).

قرآن هنگامی که از صبر و صدق و انفاق مؤمنان که جنبه‌های اجتماعی است، سخن

می‌گوید به دنبال آن از خضوع در پیشگاه پروردگار و استغفار در سحرگاهان که جنبه‌های فردی است، سخن به میان آورده است (آل عمران(۳): ۱۱۷).

خدمت به خلق نیز یکی از ارزش‌های انسانی است و اسلام آن را صد در صد تأیید می‌کند، اما عده‌ای این سخن را شعار خود قرار داده که عبادت به جز خدمت خلق نیست و با این سخن، ارزش علم و جهاد و عبادت را نفی می‌کنند؛ در حالی که اگر همه ارزشها منحصر در خدمت به خلق باشد، آنگاه خلق خدا همانند مجموعه‌ای از حیوانات می‌شوند که خدمت به آنها سیرکردن شکم آنهاست، پس این یک دیدگاه افراطی است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

اسلام سخت‌گیری یهود و آسان‌گیری نصارا را در پیش نمی‌گیرد، بلکه راه میانه را برگزیده است. انسان را به زهد و گوشه‌گیری نمی‌کشاند و از ابا‌حیگری و اسراف هم باز می‌دارد. اسلام مادیت و معنویت را با یکدیگر پیونده داده است، فرد را جزئی از جامعه و جامعه را مجموعه افراد می‌داند. اسلام فرد را قربانی جامعه و جامعه را قربانی فرد نمی‌کند، انسان مسلمان، نه خوش‌بین افراطی است، نه بدبین و ناامید. اسلام بدترین خطر را جدایی علم و عمل می‌داند و همواره ایمان و عمل صالح را همراه یکدیگر ذکر کرده است (انور جنیدی، ۱۳۷۱، ص ۱۹).

کمال انسان وقتی است که همه استعدادهايش را بطور هماهنگ رشد دهد، نه اینکه برخی را رشد داده و برخی را معطل گذارد.

ب) تعادل بین افراد جامعه

پس از جنگ حنین، رسول خدا ﷺ غنائیم را میان جنگجویان مسلمان عادلانه تقسیم نمود و پس از آن سوار مرکب شد و حرکت کرد، ولی برخی از تازه مسلمانان به دنبال آن حضرت حرکت کرده و غنیمت مطالبه می‌کردند (گویا می‌پنداشتند نزد حضرت غنائیم بسیاری مانده است)؛ به‌گونه‌ای که عبای حضرت را گرفتند، لذا پیامبر ﷺ رو به آنها نمود و فرمود:

سوگند به آن کسی که جانم در دست پر توان اوست، اگر نزد من متاع

بی حساب بود، آن را بین شما تقسیم می‌کردم، سپس مرا به عنوان بخیل قلمداد نمی‌کردید. آنگاه حضرت کنار شتری رفت و از کوهان آن اندکی پشم گرفت و بین دو انگشتان خود قرار داد و فرمود: «ای مردم! به خدا سوگند که از سهمیه شما چیزی - جز خمس آن - برای من به اندازه این پشم ارزش ندارد؛ خمس آن را نیز به شما برگرداندم. بنابراین، هر کس از هر نوع غنایم هر چند به اندازه نخ سوزن، اگر از روی خیانت برداشته برگرداند؛ زیرا در روز قیامت خائن (به بیت المال) در ننگ و آتش است (ابن هشام، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۲).

پیامبر اکرم ﷺ حقوق دیگران را رعایت می‌کرد و برای بهره‌مندی همه مردم از امکانات یکسان تلاش می‌کرد. حضرت حتی در نگاه کردن به حاضران که استحقاقی در کار نبود، نگاه خود را عادلانه تقسیم می‌کرد: «کان رسول الله ﷺ یقسم لحظاته بین أصحابه: ینظر إلی ذَا و ینظر إلی ذَا بالسَّوِیَّة» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۲۶۸): رسول الله ﷺ لحظات خویش را بین اصحاب تقسیم می‌نمود و به همه یکسان نگاه می‌کرد.

۲. کارآیی

کارآیی عبارت است از نرخ ستاده‌ها به داده‌های مورد استفاده که اگر هر چه ما از داده‌های خود ستاده‌های بیشتری بدست آوریم، در واقع کارا تر بوده‌ایم. کارآیی؛ یعنی استفاده بهینه و مطلوب از داده‌ها یا با حداقل هزینه ستاده بیشتری بدست آوریم. مدیریت پیامبر ﷺ چنین بود که با نیروهای اندک خود، بیشترین نتیجه را در سایه خدا باوری بدست می‌آورد. کارآیی در نظام مدیریتی پیامبر عبارتند از:

الف) خدا باوری

از جمله اقدامات اساسی که پیامبر ﷺ انجام داد، جایگزینی خدامحوری به جای شرک بود و در راه رسیدن به این هدف فقط از ابزار مشروع استفاده نمود. بطور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دوره سیزده ساله مکه تمامی اقدامات پیامبر ﷺ جنبه فرهنگی و معنوی داشته در رأس آنها دگرگونی عقاید و باور مردم بود. به عبارتی در این دوره، محور فعالیت‌ها «فردسازی» است.

پیامبر اسلام ﷺ با ایجاد تغییر در باورهای اعراب، تمدن جدیدی را پایه‌ریزی کرد. آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها در جامعه جاهلی از نوع رضایت به وضع موجود بود که پیامبر اسلام ﷺ از طریق آوردن یک دین جدید به نام اسلام و به کمک «وحی» آن آرمان‌ها را تغییر داد. القای این دین به مردم از طریق اصل دعوت و با استفاده از شیوه‌های حکمت، موعظه و جدال نیکو بود، نه به روش‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی. پیامبر ﷺ کسی را تطمیع نکرد تا اسلام آورد. با زور و شمشیر کسی را به پذیرش دین جدید وادار نکرد، وعده جانشینی یا اعطای پست و مقام به کسی نداد تا یار و یاور او گردد، بلکه صریحاً چنین تقاضاهایی را رد و نفی کرد و اعلام داشت «لا اکراه فی الدین». بر همین اساس است که اگر در دین اسلام، عملی از روی اکراه انجام شود، هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌شود. دین امری اختیاری است و در صورتی که اختیاری پذیرفته شود، ارزشمند است.

تغییر در محتوای باطنی اعراب سبب شد تا آنها متوجه «الله» یعنی ایده‌آل مطلق شوند و در این هنگام بود که با ابراز نارضایتی از وضع موجود، در کنار پیامبر ﷺ برای رسیدن به وضع مطلوب تلاش نمودند؛ تلاش عمومی و همگانی که منجر به قدرت‌مند شدن مسلمانان شد و به دنبال آن، به دعوت اهل یثرب به آنجا رفتند و نظام اسلامی را تشکیل دادند و با ابزارهای مشروع از این نظام در مقابل دشمنان دفاع کردند و به این ترتیب تمدن عظیم اسلامی پایه‌ریزی شد.

اینجاست که ایمان مردم کارآیی فوق‌العاده خود را در صحنه اجتماع و نبرد نشان می‌دهد و به گفته قرآن یک مؤمن در مقابل ده کافر توان و نیروی مقاومت دارد و نیز یکصد تن بر یکهزار نفر پیروز می‌گردند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال(۸): ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چراکه آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند! تا حدی کارآیی یاران

پیامبر ۹ درخشید که خداوند در قرآن کریم مردم یک شهر را چنین توصیف می‌کند: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر (۵۹): ۹)؛ هرچند خودشان زیاد احتیاج دارند، اما آنها را بر خود مقدم می‌دارند. مردم مدینه در حالی که خودشان نیازمند بودند، اما بخاطر خدا از دارایی خویش به مهاجران می‌بخشیدند.

ب) انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری از اصولی است که در سیره اجتماعی رسول گرامی ۹ اهمیّت بسیار داشته و مایه قوام و دوام مناسبات اجتماعی بوده است. برخوردهای از سر رفق و ملایمت و به دور از درشتی و خشونت آن حضرت، در معاشرت‌های اجتماعی، سازنده‌ترین عنصر در اصلاح جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی بود. سیره‌نویسان از حسین بن علی 7 از قول امیرالمؤمنین 7 در توصیف برخوردهای اجتماعی آن حضرت نوشته‌اند: «كان دائم البشر سهل الخلق لئین الجانب لیس بفظ ولا غلیظ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۲).

پیامبر دائماً خوشرو و خوشخوی و نرم بود، خشن و درشتخوی نبود. رسول خدا ۹ از غلظت‌های بی‌مورد و شدت‌های نابجا پرهیز داشت و هرگز برای پیشبرد مقاصد اجتماعی خویش، از حرکت‌های تند عاری از رفق بهره نگرفت. او همانطور که مأمور به برپایی واجبات بود، مأمور به رفتار از سر مدارا بود: «أمرنی ربّی بمداواة النّاس، كما أمرنی بإقامة الفرائض» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۱)؛ خداوند همانگونه که مرا به برپایی واجبات امر نموده، به مدارا با مردم دستور داده است. اساساً در غیر این صورت، فرصت هدایت حاصل نمی‌شد و سدّ سکندری میان او و مردم مانع می‌گشت و زمینه اصلاح اجتماعی و کارآیی را محدود می‌ساخت. به همین دلیل، آن وجود گرامی در کنار تبلیغ رسالت خویش، مأمور به مدارا با خلق بود. بطور کلی، آنکه در برخوردهای اجتماعی، مدارا و ملایمت را بکار نمی‌گیرد، موفق نخواهد

بود؛ زیرا نیمی از زندگی اجتماعی و مناسبات فرد و جامعه در پیوند با رفاقت و مداراست.

مدارا و مهربانی پیامبر ﷺ آنقدر فراگیر بود که با آنان که سالها با او دشمنی کرده بودند، با گذشت برخورد کرد. «ابن اسحاق» نقل می‌کند که در روز فتح مکه، «سعد بن عاده» رجز می‌خواند.

«الیوم یوم الملحمة، الیوم تستحلّ الحرمة» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۶)؛ امروز، روز کشتار و جنگ و انتقام است، امروز روز شکسته‌شدن حرمت‌هاست. کسی نزد رسول خدا ﷺ رفت و این مطلب را به عرض وی رساند و گفت می‌ترسیم امروز جناب سعد به قریش حمله کند. پیامبر ﷺ، امام علی ۷ را مأمور کرد تا پرچم را از او بگیرد و فرمود تو با پرچم وارد شهر شو و بگو: «الیوم یوم المرحمة» (واقعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۲۲)؛ امروز، روز رحمت و مهربانی است و از باب مدارا و نرمی بود که فرمود: «الْإِسْلَامُ یَجِبُ مَا كَانَ قَبْلَهُ» (مصطفوی، ۴۱۷، ص ۴۰)؛ اسلام گناهان گذشته را می‌پوشاند و نادیده می‌گیرد.

پیامبرگرامی ﷺ پس از آنکه به نصایح و مدارای او وقعی نمی‌نهادند، برخورد می‌کرد؛ چنانکه مسجد ضرار منافقین را تخریب کرد.

۳. نوآوری

نوآوری؛ یعنی در یک نظام، اصلاح و تجدید حیات بطور مستمر رخ دهد و خود را با استعدادهای جوان و افکار جدید تازه کند و در جریان آخرین پیشرفت‌ها و دانش‌ها قرار گیرد. نوآوری در نظام مدیریتی پیامبر به شیوه‌های زیر می‌باشد:

الف) اصلاح ساختارها

تأسیس مسجد: پیامبر ﷺ برای انسجام و تجمع مسلمانان، مسجد را بنا کردند. در تأسیس این مسجد، همه مسلمانان همکاری کردند... مسجد نه تنها برای مسلمانان معبد بود، بلکه جایگاهی برای قضاوت و محلی برای بسیج آنها به جبهه‌های جنگ با کفار به حساب می‌آمد. بنظر جامعه‌شناسان، از جمله «دورکیم»، مذهب یک نظام و سیستم

مشترکی از باورها و اعمالی است که پیروان خود را به یک گروه در اصطلاح ادیان «امت» نامیده می‌شود (رضائیان، ۱۳۶۹، ص ۵۴).
این گرد هم آمدن و پیوستگی روحی جمعیت در تمامی مذاهب، بویژه در مذاهب عالیه توحیدی وجود دارد.

ب) اصلاح باورها

فرهنگی که پیامبر اعظم ﷺ ایجاد کرد، تغییر در لایه‌های اعتقادی بود. در جاهلیت فرهنگ مشرکانه بود، ولی اسلام، فکر توحیدی را جایگزین آن کرد. در صدر اسلام، نظام قبیله‌ای و ارتباطات عشیره‌ای حاکم بود: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» (تکاثر (۱۰۲): ۱)؛ تفاخر به بیشترداشتن، شما را غافل داشت.

سراغ مرده‌های خود برای افزون‌طلبی می‌رفتند... درون آنها ناامنی بود و در بیرون جنگ و خونریزی برقرار بود، قوانین براساس همین قراردادهای قبیله‌ای شکل می‌گرفت. در «حلف الفضول»؛ پیمان جوانمردان که وقتی فضل‌ها دیدند در ماه حرام در مکه به حقوق مردم تجاوز شد، پیمان بستند که از مظلوم حمایت کنند، سخن از نظام قبیله‌ای نبود. چند نفر متحد شدند و جهت دادند، آنجا تار بود، اینجا تارالله شد. در جاهلیت، علم الانساب بود، ولی اسلام علم الاسماء آورد، آنجا برتری نزد قبیله، اینجا برتری نزد خدا، آنجا عصبیت و اینجا ایثار، قرآن می‌فرماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء (۲۶): ۲۱۴)؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده.

تا حدی که پیامبر ﷺ آن را چنین بازخوانی کرد: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» توبه (۹): ۲۴؛ بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است.

فرمود پدران و فرزندان و... را دوست بدارید، ولی محبت شما به خداوند بیشتر

باشد. خدا را غالب کرد و فرهنگ دین را بر قوم و قبیله و خانواده مقدم شمرد. صله رحم و تعصب قومی و خانوادگی را محترم شمرد، تمایلات مردم را نمی‌شود نادیده گرفت، باید آنها را در جهت خدایی هدایت کرد، سرکوبی خواسته‌ها و لذات مشروع و شادی‌های مردم، جزء فرهنگ اسلامی نیست و نباید آنها را نادیده گرفت. در آن نظام مرتب صحبت از شتر و شمشیر و خون‌ریزی بخاطر عصبیت و قبیله و افزون‌طلبی، حتی با شمارش مردگان قبور بود، ولی در نظام اسلامی، کوثرطلبی و ایثارگری و تسبیح و تحمید حق جایگزین آنها شد.

بازار عکاظ و شعرخوانی را به قرائت قرآن و مجلس سقیفه را به شورا و مسجد تبدیل کرد. اگر علم فردی «علم الانساب» فرو می‌ریخت، در نتیجه نظام قبیله‌ای هم فرو می‌ریخت. اسلام یک حوزه معرفتی درست کرد.

۴. نظام‌گرایی

سیستم‌های باز از طریق دریافت داده‌ها از صادره و ذخیره‌سازی و انجام اقدامات لازم بر اساس «انتروپی» (قانون کلی در طبیعت که براساس آن هر سیستمی به سمت بی‌نظمی در حرکت است) سعی می‌کنند در مواجهه با عوامل بی‌نظمی جریان «انتروپیک» را متوقف کنند. مثلاً در یک سازمان ارتباطات غیر رسمی بین کارکنان ممکن است در جهت خلاف اهداف سازمان شکل بگیرد. به عنوان مثال، در مقابل دستورات مدیریت مقاومت نشان دهند یا کارشکنی کنند، مدیریت باید این بی‌نظمی را بشناسد و انگیزه کاری را در آنجا تقویت کند. نظام‌گرایی در شیوه مدیریتی پیامبر به شیوه‌های زیر می‌باشد:

الف) برپایی نظام ولایی

نوع نگرش اسلام به حکومت و سیاست و اهدافی که دنبال می‌کند، موجب آن گشته است که نه تنها در تعریف سیاست و مبانی و اصول کلی نظام سیاسی با سایر دیدگاه‌ها و نظام‌های سیاسی تفاوت ماهوی و مبنایی داشته باشد، بلکه در ساختار کلی و شکل عملی حکومت نیز مبتکر روش و نظام منحصر به فرد و ویژه‌ای باشد. روش‌ها

و انواع حکومتی که در طول تاریخ بوجود آمده، هیچکدام با مبانی اسلامی هماهنگی نداشته و با هیچ توجیهی نمی‌توان آنها را حکومت کاملاً دینی نامید. گرچه برخی در عمل به ظواهر دینی و احکام اسلامی نسبت به بقیه توجه و اهتمام بیشتری داشته‌اند. پیامبر 9 برای حکومت مطلوبیت ذاتی قائل نیست، لکن نظر به اهمیت و تأثیری که در هدایت انسانها و فراهم‌نمودن مقدمات و زمینه‌های رشد و تعالی ارزش‌ها و توانمندی‌های افراد بشر دارد، مدیریت و نظام خاصی را برای آن ترسیم کرده است. اسلام مدیریت کلان جامعه اسلامی را پیمان الهی می‌داند که با انشای خدا، بوسیله افراد ممتازی که شایستگی علمی و عملی لازم را برای قائم مقامی خدا دارند، تجلی می‌یابد. از این رو، با الهام از آیات قرآن و بویژه محوریت توحید در همه معارف دینی، می‌توان گفت که ساختار کلی نظام سیاسی اسلام «نظام ولایی و امامت» است.^۴ فلسفه سیاسی اسلام حکومتی را دینی می‌داند که در قانون و اجرا به خدا منتهی گردد.^۵ و از خودخواهی و شخص‌پرستی به دور باشد و راه آن را نظام ولایی معرفی می‌کند؛ یعنی نظامی که جانشین خدا، قانون الهی را در بین مؤمنان اجرا می‌نماید.^۶ نظام ولایی ضمن تضمین اسلامیت نظام و هماهنگی با جهان‌بینی توحیدی و فطرت انسانی، هدف‌های متنوع حکومت دینی را تأمین می‌نماید.

ولایت از یک طرف به خدا وابسته است و تجلی‌بخش ولایت الهی است و از سوی دیگر، به جامعه دینی و مردم تکیه دارد. مشروعیت ولایت از خدا و ضمانت اجرای قوانین را از پذیرش و حمایت مردم می‌گیرد. مقبولیت مردم است که به امام توانایی اداره حکومت می‌دهد.

پیامبر اسلام 9 پس از ورود به مدینه به تشکیل حکومت پرداخت. اقدامات سیاسی - فرهنگی ایشان در تأسیس یک حکومت متمرکز با سیستم اداری و نظامی منظم و سازمان‌یافته در عربستان آن روز که مهمترین عنصر سیاسی آن قبیله بود و به جز قبیله و آداب و رسوم قبیله‌ای هیچ تشکیلات سیاسی و قانون و ضابطه همگانی وجود نداشت، بسیار تازگی داشت. این اولین باری بود که «جزیره العرب» با استقرار یک حکومت مرکزی در دوران خود روبه‌رو می‌شد. حکومت جدید بر پایه روابط

گسترده اجتماعی و جایگزینی ارزش‌های دینی در مقابل ارزش‌های قومی و قبیله‌ای شکل گرفت.

یکی دیگر از اقدامات پیامبر ﷺ در جهت نظم اجتماعی عبارت است از:

ب) تنظیم قرارداد سیاسی

مشکل عمده‌ای که در مدینه وجود داشت، وجود جنگ‌های طولانی بین دو طایفه «اوس» و «خزرج» بود، لذا اولین اقدام پیامبر ﷺ تدوین یک قرارداد سیاسی بود و بوسیله این قرارداد، وظایف مسلمانان را در برابر یکدیگر، روابط مسلمانان با پیروان ادیان دیگر و پذیرش رهبری پیامبر ﷺ از سوی مسلمانان و یهودیان و مشرکان ساکن مدینه، تعیین نمود و سپس این قرارداد را به امضای همه گروه‌های موجود در مدینه رسانید. این گام بسیار مهمی در ثبات داخلی و تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی بود (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۱). این قرارداد زمینه بسیار مناسبی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی در بین مسلمانان بود؛ وحدتی که اساس یک نظام واحد را شکل می‌داد و پیامبر ﷺ برای تشکیل یک کشور اسلامی به آن نیاز داشت.

۵. تحوّل‌گرایی

تحول ایجاد تغییر و تکمیل در ساختارها، فرآیندها و راهبردهای حاکم بر یک سیستم با هدف تولید کیفیت برتر و تغییر، از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است و تغییر غیر از انحراف و تجدید نظر است (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۹، ص ۴۷۷).
تحوّل‌گرایی در شیوه مدیریتی پیامبر به شیوه‌های زیر می‌باشد:

الف) تحول ارزش‌ها

راز پیروزی پیامبر ﷺ با وجود همه دشمنی‌ها و توطئه‌ها، جدا از نقش شخص پیامبر ﷺ از قبیل خودی‌بودن، شرافت نسبی، گذشته نیکو، تلاش فوق العاده، لیاقت و کاردانی، ایمان قاطع، شناخت درست شرایط زمانی و مکانی و لیاقت و کاردانی و نیز نقش سایر مسلمانان بویژه «خدیجه» و «ابوطالب» و «علی» و «حمزه» و «جعفر» و ... همچنین نقش خلأهای حقوقی، سیاسی، اعتقادی، موقعیت مکه و فطری بودن دین اسلام

و محتوای آن و نقش خصلت‌های مثبت موجود در میان اعراب از قبیل عادت به زندگی سخت، شجاعت، مهمان‌نوازی، تعهد در مقابل بیعت، تعصب و رقابت می‌توان گفت نقش اصلی در این تغییر و تحولات، مربوط به تغییری است که در محتوای فکری و باطنی انسانها اتفاق افتاده است. انقلاب فکری و محتوایی سبب می‌شود تا تمامی ارزش‌ها، شناخت‌ها، دانش‌ها، باورها، ایستادگی‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و حتی احساسات و فرهنگ یک جامعه تغییر کند و به دنبال آن، زمینه اقدامات دیگری؛ مانند مشارکت افراد در اقدامات نظامی و اقتصادی بمنظور پیشرفت آرزوها و خواسته‌های دینی فراهم گردد.

پیامبر اسلام ﷺ موفق شد با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی، نبوت و رهبری الهی را بجای شیخ و قبیله، دین اسلام و ارزش‌های اسلامی را بجای ارزش‌های جاهلی، توحید را بجای شرک، مسئولیت‌پذیری را بجای مسؤولیت‌گریزی، عقیده به معاد را بجای عقیده به شرک، کار و تولید و مالکیت و وسیله‌بودن ثروت برای کسب خیر را بجای دزدی و غصب و فقر و هدف‌بودن فضایل اخلاقی را بجای رذایل اخلاقی کمک به نیازمندان و آزادکردن بردگان را بجای بیگاری مستضعفان، حکومت جهانی را بجای حکومت قبیله‌ای، منافع اسلامی و انسانی را بجای منافع قبیله‌ای، اعتماد را بجای بی‌اعتمادی، مسابقه در خیر را بجای مسابقه در شر و ایشار و انصاف را بجای غارت و ظلم، تلاش برای دستیابی به آینده‌ای بهتر را بجای رکود و حفظ وضع موجود قرار دهد؛ هرچند پس از رحلت پیامبر ﷺ در این حرکت انحراف ایجاد شد، اما این انحراف آنقدر نبود که بتواند در کاخ رفیعی که پیامبر بنیانگذار آن بود، خللی اساسی وارد کند.

پیامبر اسلام ﷺ فرهنگ و تمدنی تأسیس کرد که تا به امروز به حرکت خودش ادامه می‌دهد. این فرهنگ گرچه در برخی از برهه‌ها با رکود و زوال و انحطاط مواجه بوده است، اما به دلیل وجود قرآن که منبع همیشگی وحی الهی است، همیشه استعداد حیات و بالندگی آن محفوظ است.

عظمت کاری که پیامبر ﷺ کرده و میزان تغییر و تحولاتی که بوجود آورده است، وقتی روشن‌تر می‌شود که از بعد سیاسی، عصر پیامبر ﷺ را با چند سال بعد مقایسه کنیم؛ زمانی که جامعه در برخی جهات به ارزش‌های جاهلی برگشت.

- «ابوالاعلیٰ مودودی» در مقایسه عصر پیامبر 9 با زمان پایان حکومت «امویان» تغییراتی را بر می‌شمارد که فقط در روش حکومت‌داری اسلامی صورت گرفته که عبارتند از:
۱. تغییر در تعیین امام و خلیفه؛ به این صورت که سلطنت اموی جانشین خلافت شد و حتی در قرائت شیعی می‌توان گفت در آن دوران، خلافت به جای امامت آمد.
 ۲. دگرگونی در روش زندگی خلفا و حاکمان.
 ۳. تغییر در کیفیت مصرف بیت المال.
 ۴. پایان آزادی ابراز عقیده؛ دیگر کسی نمی‌توانست با استفاده از اصل امر به معروف و نهی از منکر به حاکمان اندرز دهد؛ چراکه همچون امام حسین 7 جانش را از دست می‌داد.
 ۵. پایان آزادی قضات و نهادهای قضایی؛ نهادهای قضایی در جهت خواست سلاطین «اموی» و سپس «عباسی» حرکت می‌کردند و توان محاکمه شخص حاکم را نداشتند، از این جهت راه برای هرگونه تخلف و ظلمی باز بود.
 ۶. خاتمه حکومت شورایی و حاکمیت استبداد؛ دیگر در امور حکومت با خردمندان و اهل حلّ و عقل و نخبگان جامعه اسلامی مشورت نمی‌شد.
 ۷. ظهور و غلبه تعصب‌های نژادی و قومی بجای ارزش‌های اسلامی.
 ۸. نابودی اصل برتری قانون (موتقی، ۱۳۷۴، ص ۲۳-۲۰).

ب) تحول نظام قبیله به امت

در بدو ظهور اسلام، اندیشه‌های سیاسی عرب، بیشتر بر محور نظام قبیله‌گی دور می‌زد و «قبیله» تنها گروه منسجم اجتماعی بود که بر پایه خون و قرابت نسبی و به تعبیر «ابن خلدون» «عصبیت» استوار بود.

آنچه در روابط قبایل با یکدیگر قابل ملاحظه بود، وجود نوعی هم‌پیمانی در محدوده معین و جنگ بر ضد هم‌پیمانان معارض بود؛ به گونه‌ای که در اسکان یک فرد یا خانواده این فرصت وجود داشت که با ایجاد نوعی رابطه، هم‌پیمانی خود را به عضویت قبیله دیگر در آورد تا از حمایت آنان برخوردار گردد.

در مقابل، قبیله حمایت‌کننده نیز که نوعی واحد مستقل سیاسی به حساب می‌آمدند، از این فرد یا خانواده (حلیف) می‌خواستند که رابطه «تبعیت» را کامل رعایت نماید. در اندیشه سیاسی عرب به جز نظام قبیله‌گی هیچ نوع اندیشه‌ای از سیستم‌های سیاسی «امپراتوری‌های بیزانس»، «حبشه» و «ایران» وجود نداشت و از روابط اجتماعی کشورهای مجاور هیچ اطلاعی نداشت. عرب همچنان بطور آزاد مطلق از نوع آزادی‌های صحرائی به زندگی غارتگرانه خود ادامه می‌داد. به قول «لامنس» (lamens)، «عرب قبل از اسلام، نمونه دموکراسی است، اما دمکرات افراطی که هیچ حدی برای آن متصور نیست» (نوری، ۱۳۶۴، ص ۲۴۲).

برای نخستین بار بود که دینی چون دین حضرت محمد ﷺ ظهور می‌کرد و موجب تحول اجتماعی و سیاسی بزرگی می‌گردید و از این جامعه امتی بوجود می‌آورد. تفاوت و تمایز روشن امت و قبیله در این است که «امت» بر پایه دین و بریدن از هر نوع روابط دیگر استوار است، برخلاف قبیله که تنها بر محور رابطه خون و قرابت دور می‌زند، در نظام امت، حضرت محمد ﷺ را به عنوان پیامبر می‌شناسند. او نیز دستورات را از وحی دریافت می‌کند و با هر فرد یا گروهی پیمان می‌بندد و به نام خدا و خود (ذمه الله و ذمتی) پیمان امضا می‌نماید.

با ملاحظه آیات قرآن، به خوبی روشن می‌شود که واژه امت ریشه عربی داشته و به معنای گروه منسجم دینی آمده است. اطلاق واژه امت به جامعه دینی مبتنی بر عامل مذهب، نه خون و خویشاوندی بیشتر در آیین اسلام و سوره‌های مدنی مطرح شده و گونه اصطلاحی که قرآن در مورد انبیای گذشته بکار برده واژه قوم است که مراد گروه خاص است؛ به این معنا که پیامبران گذشته بر ملت خویش مبعوث شده‌اند که نوعی رابطه خونی که محور قومیت است با آنها داشته‌اند. به عنوان مثال، می‌توان آیات زیر را ذکر کرد:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِلكُمْ أَنْبِيَاءَ» (مائده: ۵): (۲۰)؛
 [یاد کن] زمانی را که موسی به قوم خود گفت ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد.

«أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (اعراف(۷): ۵۹)؛ نوح را به سوی قومش فرستادیم، گفت ای قوم من! خدا را بپرستید.

آیاتی که در قرآن درباره واژه امت وارد شده عبارت است از:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره(۲): ۱۴۳)؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء(۲۱): ۹۲)؛ امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید.

نتیجه گیری

اینکه مکتب پیامبر اسلام ﷺ بر ادیان و حکومت‌های زمان خود غالب شد و به سرعت در جهان پیش رفت، از جهت اصول مدیریت نظام یافته‌ای بود که توانست دل‌ها را جذب و افکار را متوجه خود سازد و مردم نیز با رغبت آن را پذیرا شدند و به رشد و ترقی رسیدند. ولی در زمان ما برخی مسلمانان از این اصول منحرف شده‌اند. راهکار اینکه مسلمانان به عزت صدر اول برگردند، این است که مانند رهبران انقلابی، چون امام خمینی ¹ و مقام معظم رهبری از سیره پیامبر گرامی ﷺ الگوبرداری نموده و کاری را انجام دهند که رسول خدا ﷺ انجام داد و آن این بود که پیامبر ﷺ مردم را متوجه ساخت که در این جهان برای اجتماعات بشری قوانینی وجود دارد که باید آنها را شناخت و از آنها پیروی کرد. وی بر خلاف مردمی که رؤسای خود را مانند خدایان دانسته که سرنوشت آنها را می‌سازند، فرمود: رؤسا هم باید مانند مردم تابع قوانین باشند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۶، ص ۳۵). به این جهت برای اصلاح جامعه سراغ عامه رفت، نه خاصه و خطاب‌های قرآن؛ نظیر «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مردم را متوجه ساخت که اگر خواهان تغییرند، باید اخلاق و اعمال خود را نیکو گردانند؛ زیرا «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد(۱۳): ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ جامعه‌ای را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه خودشان را تغییر دهند. از این رو، جوامع خواستار تحول و پیشرفت، باید ابتدا به اصلاح فردی و فرهنگی و سپس به اصلاح اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی بپردازند و همان روشی را بپیمایند که آن حضرت پس از فردسازی و ساختن یاران مکی، به جامعه‌سازی مدنی رو آورد و حکومتی با شاخصه‌های ذیل پدید آورد که عبارت بود از:

نظام متعادل، کارآمد، تحول‌گرا، نظام‌گرا، خلاق و نوآور و در سایه این نگرش و رفتار نظام‌مند و کلی‌نگر به عناصر حکومت بود که به پیروزی‌های شگفت‌انگیزی دست یافت و جامعه متمدنی که در مدینه‌النبی تأسیس کرد، در کمتر از ربع قرن، چنان در جهان گسترش یافت که تمدن عظیمی برپا کرد و اکنون چراغی که پیامبر گرامی برافروخت، برای همه ملت‌ها می‌درخشد.

یادداشت‌ها

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».
۳. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ».
۴. در قرآن بیش از یکصد و بیست بار ولی و مشتقات آن ذکر شده است و علاوه بر ولایت ایجابی و مثبت که به خدا و برگزیدگان او مربوط است، ولایت سلبی شیاطین و طواغیت و سلطه غیر مسلمان را نیز مطرح و مورد مذمت قرار داده است و همینطور تعبیر امام و ائمه بیش از ده بار در قرآن بصورت مثبت یا منفی بکار رفته است.
۵. بنابراین، حکومت دینی به معنای حکومت متدینان فقط نمی‌باشد و صرف دینداربودن کارگزاران و تقید و تعبد فردی آنها به دستورات دینی کفایت نمی‌کند؛ چنانکه مبنا قرار دادن قانون الهی بدون توجه به اینکه مجری آن، چه کسانی باشند نمی‌تواند یک نظام را الهی و اسلامی نماید، بلکه هم قانون و هم مجری آن باید الهی و از طرف خدا باشند - فعل و فاعل هر دو باید منتسب به حاکم و ولی مطلق آفرینش باشد.
۶. ولایت ایجابی که از نظر قرآن التزام به آن جزء دین است، ابعاد و تجلیات مختلفی دارد و به اعتبارات مختلفی تقسیم می‌شود. مانند تقسیم به ۱. ولایت خدا که منشأ همه ولایت‌ها می‌باشد؛ ۲. ولایت فرشتگان؛ ۳. ولایت بشری که خود دارای اقسام فراوانی است و ما در این بحث مهمترین قسم ولایت بشری را که ولایت بر جامعه اسلامی و محوریت نظام سیاسی است، مورد بحث قرار داده‌ایم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن هشام، محمد، سيرة النبوية، ج ۳ و ۴، تهران: انتشارات بی تا، ۱۴۱۲ق.
۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، ج ۱، قم: یس، ۱۳۶۳.
۵. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۰ و ۲۰، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. -----، تحریر الوسيلة، ج ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۵.
۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نظام سیاسی اسلام، قم: آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه، ج ۴، ۱۳۸۷.
۸. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ج ۶، ۱۳۷۳.
۹. جمعی از نویسندگان، «نوسازی و تحول»، مجله حوزه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۰. جدی، انور، اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۱. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران: انتشارات سمت، ج ۶، ۱۳۶۹.
۱۲. -----، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۱۳. زارعی متین، حسن، مبانی سازمان و مدیریت و رویکرد اقتضایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، تحقیق عبد الحکیم ضیاء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین و دیگران، بحث درباره مرجعیت و روحانیت، قم: دارالتبلیغ، ۱۳۵۵.
۱۶. -----، بررسی‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: انتشارات دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۲۰. -----، روضه کافی، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶ و ۵۶، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۲۲. مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
۲۴. -----، انسان بر آستان دین، خلاصه آثار، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ج ۴، ۱۳۸۲.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، تهران: نشر شهرزاد، ۱۳۸۹.
۲۶. مغنیه، محمدجواد، الاسلام بنظرة عصرية، بیروت: دارالتقافة، ۱۴۲۴ق.
۲۷. موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
۲۸. نوری، یحیی، اسلام و جاهلیت، تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۹. واسطی، عبد الحمید، نگرش سیستمی به دین، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علم و معارف اسلام، ۱۳۸۸.
۳۰. واقدی، ابن سعد کاتب، المغازی، ج ۲، قم: اسماعیلیان، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی